

فروڈستان و فرادستان (بخش یکم: شیلی)

احمد سیف



اشاره:

از حدود یک دهه پیش شاهد شکل‌گیری جنبشی نوپا برای عدالت اجتماعی بودیم که به جنبش ۹۹ درصدی‌ها علیه یک‌درصدی‌ها موسوم شد. جنبشی که در آن کنشگران با تسخیر فضاهای شهری و حمله به نهادهای مالی شیوهی تنظیم نولیبرالی اقتصاد در چهار دهه‌ی گذشته را به چالش کشیدند. کم‌وبیش همزمان با آن نیز کشورهای عربی دستخوش یک سلسله قیام‌ها و انقلاب‌ها بود که مردم درمانده از نظام‌های استبدادی و اقتصادهای فاسد و الیگارشیک «اسقاط نظام» را فریاد می‌زدند. این جنبش‌های اعتراضی در تمامی سال‌های اخیر استمرار داشت از اعتراض‌ها علیه ریاضت اقتصادی در کشورهای جنوب اروپا، و تا این اواخر در جنبش حلیقه‌زرها در فرانسه. (و در این میان اعتراض به مؤسسات مالی در ایران در دی‌ماه ۱۳۹۶ تا اعتراض‌های آبان‌ماه ۱۳۹۸ و انواع خیزش‌های معیشتی و صنفی جاری).

به‌راستی طی چهار دهه‌ی گذشته چه برسر اقتصاد جهان رفته است که فرودرستان در هر گوشه‌ای از جهان سر به اعتراض برداشته‌اند. طی این سلسله یادداشت‌ها براساس آمارها و شاخص‌های رسمی نشان داده می‌شود که چه‌گونه ساختارها و سیاست‌های چهار دهه‌ی گذشته برخلاف آن چه وعده کرده بودند در همه جای جهان منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت درآمدی و معیشتی اکثریت مردم شده و چرا جهان قطبی‌شده‌ی امروز آستان تحولات مهمی است. آیا مسأله برسر این شکل یا آن شکل سرمایه‌داری است یا نه، اساساً باید به فراسوی سرمایه‌داری حرکت کرد؟

نخستین یادداشت از این مجموعه را با توجه به انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری در شیلی و تشکیل دولت توسط ائتلاف چپ به وضعیت توزیع درآمد در این کشور کوچک امریکای لاتین اختصاص داده‌ایم.

امیدواریم این سلسله یادداشت‌ها نشان دهنده‌ی تعمیق و خامت توزیع درآمدها و ضرورت برون‌رفت از وضعیت کنونی با تغییر ریشه‌ای سیاست‌ها باشد.

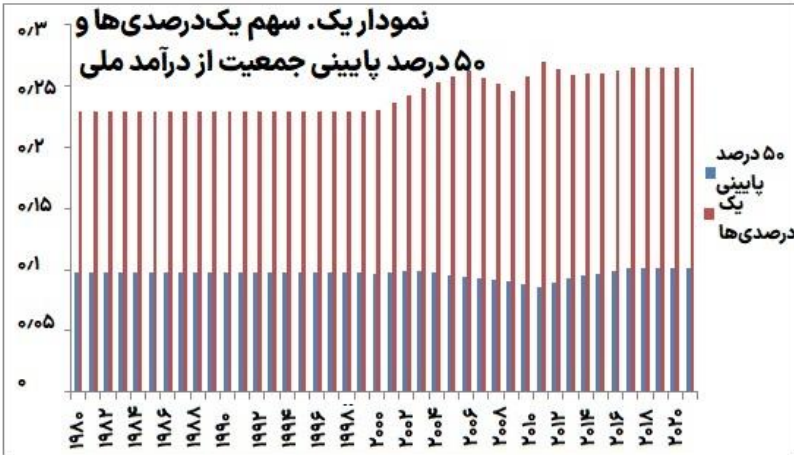
«نقد اقتصاد سیاسی»

این روزها درباره توزیع درآمد در حدود ۵۰ کشور دنیا اندکی کنجکاوی می‌کنم. منظورم از کنجکاوی هم این است که از چند بانک آماری که در این عرصه آمار جمع می‌کنند^۱ آمارها را دانلود می‌کنم. نخستین مجموعه‌ی این آمارها مربوط به کشور شیلی است که طی سال‌های اخیر درگیر اعتراضات گسترده‌ی مردمی در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بوده که با انتخابات اخیر در این کشور و پیروزی گابریل بورچیا وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده است.

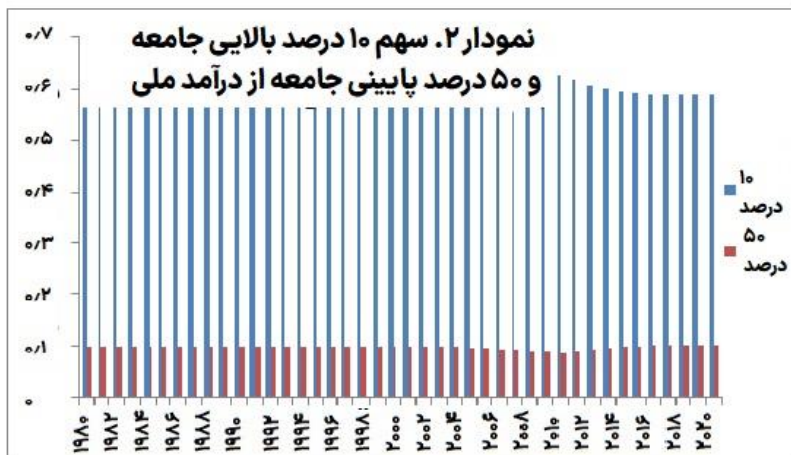
اولین نمودار مربوط به توزیع درآمد در شیلی نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۰ به این سو یک‌درصدی‌ها در شیلی چند درصد از درآمد ملی پیش از مالیات را تصاحب کرده‌اند و به همین نحو سهم ۵۰ درصد پایینی جمعیت از درآمد ملی چه میزان بود. یک‌درصدی‌ها در سال ۱۹۸۰ با حدود ۲۳ درصد از درآمد آغاز کردند ولی در این ۴۰ سال سهم‌شان از درآمد ملی به ۲۶٫۵٪ رسید. آن ستون‌های آبی رنگ هم نشان‌دهنده‌ی سهم ۵۰ درصد پایین جمعیت از درآمد ملی کشور است که برای همه‌ی این مدت در حول و حوش ۱۰٪ باقی ماند. البته در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ این سهم به ۹ درصد کاهش یافت. برای این که معیاری به‌دست داده باشم در این نمونه‌ای که دارم روی آن کار می‌کنم، نروژ با ۲۵ درصد سهم از درآمد ملی برای ۵۰ درصد پایین جمعیت در مقام اول قرار دارد و تنها سه کشور دیگر هستند که سهم ۵۰ درصدی‌های‌شان از شیلی اندکی کم‌تر است. در بقیه‌ی کشورهایی که مورد توجه من هستند - حدود ۴۵ کشور - به نظر می‌رسد که وضع ۵۰ درصد جمعیت‌شان به نسبت از شیلی بهتر باشد.

^۱ این هم لینک دانلود آمارها:

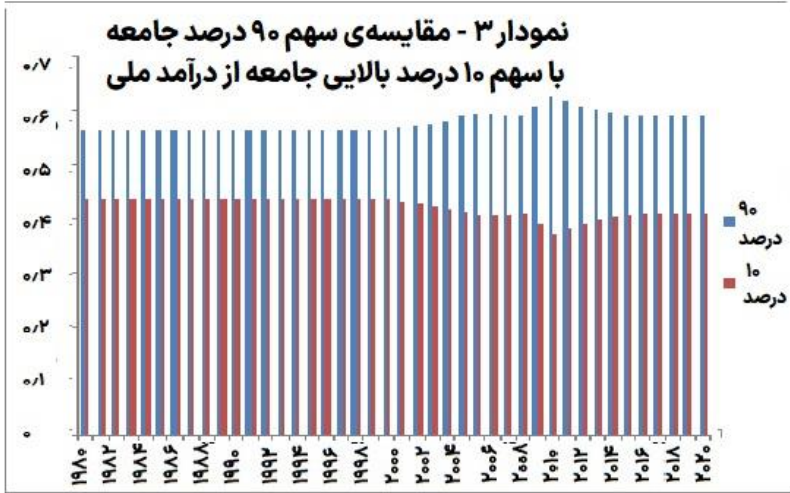
https://wid.world/data/#countrytimeseries/sptinc_p90p100_992_j;sptinc_p0p50_992_j;sptinc_p90p100_z;sptinc_p0p50_z;sptinc_p99p100_z/CL/1980/2021/eu/k/p/yearly/s



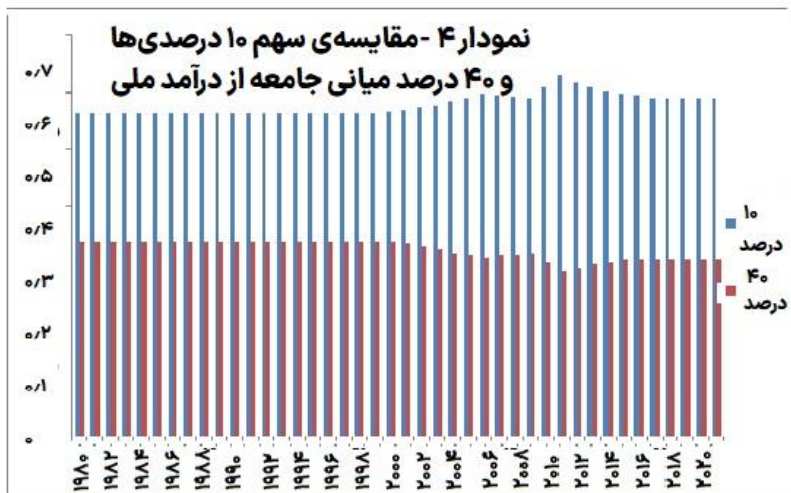
در نمودار دوم، وضع ۱۰٪ بالایی ها را با درآمد ۵۰٪ پایین جمعیت مقایسه می کنیم. در سال ۱۹۸۰ ده صدی ها با ۵۶ درصد از درآمد ملی شروع کردند و بعد حتی در ۲۰۱۱ صاحب ۶۳ درصد از درآمد ملی شدند ولی سرانجام میزانش در ۲۰۲۱ به ۵۹ درصد رسید که در میان ۴۸ کشوری که موضوع پروژه من است، تنها پس از آفریقای جنوبی، در مقام دوم قرار دارد. با اندکی تفاوت، برزیل در این رده بندی با ۵۸ درصد مرتبه سوم است. توجه دارید که از نظر آماری، تعداد کسانی که در میان ۵۰ درصدها هستند طبیعتاً، ۵ برابر تعداد کسانی است که در میان ۱۰ درصدی هاست ولی وقتی به سهم شان از درآمد ملی نگاه می کنیم مشاهده می شود که سهم ۱۰ درصدی ها از درآمد ملی در همه این سالها حدوداً ۶ برابر سهم ۵۰ درصد پایینی جمعیت بوده است و البته اگر توجه داشته باشید که میزان به مراتب کمتری از درآمد باید در میان به مراتب بیشتر جمعیت توزیع شود در آن صورت، روشن می شود که متوسط درآمد ۵۰ درصدی ها در مقایسه با متوسط درآمد ۱۰ درصدی ها بسیار ناچیز خواهد بود. معیاری از این رابطه به دست خواهیم داد.



در نمودار سوم، سهم ۱۰ درصدی‌ها از درآمد ملی را با سهم ۹۰ درصد جمعیت از درآمد ملی مقایسه می‌کنیم همان‌طور که مشاهده می‌کنید ۱۰ درصد جمعیت سهم به‌مراتب بیشتری از درآمد شیلی دارد تا ۹۰ درصد بقیه جمعیت، و در همه‌ی این سال‌ها هم این سهم‌بری بین ۲۹ تا ۶۸ درصد بیشتر بود. البته با استفاده از آمارهای موجود، می‌توان متوسط درآمد افراد در این گروه‌های مختلف را برآورد کرد. منظورم از برآورد کردن درآمد این است که اگر بخواهم در این‌جا متوسط درآمد را مقایسه کنیم برآورد می‌شود که متوسط درآمد ۱۰ درصدی‌ها در طول این سال‌ها بین ۱۲ تا ۱۵ برابر متوسط درآمد ۹۰ درصدی‌های پایین در نوسان بود. البته با استفاده از همین روش، نسبت بین متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها و ۹۰ درصدی‌ها را هم برآورد کرده‌ام. در این‌جا روشن می‌شود که متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ بین ۴۷ تا ۶۵ برابر متوسط درآمد افراد در میان ۹۰ درصدی‌ها متغیر بوده است.



در نمودار ۴ منظورم از ۴۰ درصدی‌ها آنهایی هستند که بین ۵۰ درصد پایین و ۱۰ درصد بالای جامعه قرار می‌گیرند با اندکی تسامح می‌توان آنها را «طبقه‌ی متوسط» خواند. البته این مباحث را باید با دقت بیشتری پی‌گیری کرد ولی منظورم از «طبقه‌ی متوسط» در این جا این است که نه همانند ۵۰ درصدی‌ها «بی‌چیز و فقیرند» و نه مانده ۱۰ درصدی‌ها «توانگر و مال‌دار» ولی جالب این که نه فقط در شیلی بلکه در همه‌ی کشورهای که نمونه‌برداری کرده‌ام سهم ۴۰ درصدی‌ها نقصان یافته است. به‌عنوان نمونه در همین جا سهم «طبقه‌ی متوسط» از درآمد ملی در ۱۹۸۰ حدوداً ۳۴ درصد بود که در سال ۲۰۲۱ به ۳۱ درصد کاهش یافت. البته توجه دارید، که اگرچه به‌ظاهر تنها ۳ درصد کم‌تر شده است ولی این ۳ درصد در واقع حدود ۱۰ درصد از سهمی است که این افراد از درآمد ملی کشور داشته‌اند. در این جا هم متوسط درآمد «طبقه‌ی متوسط» را محاسبه و با متوسط درآمد ۱۰ درصدی‌ها مقایسه کرده‌ام. متوسط درآمد ۱۰ درصدی‌ها، در طول این سال‌ها بین ۷ تا ۹ برابر متوسط درآمد «طبقه‌ی متوسط» بود.



در این نمودار آخر هم مقایسه‌ای به دست می‌دهم از متوسط درآمد در شیلی و آن‌چه که مقایسه کرده‌ام متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها و همین‌طور متوسط درآمد ۱۰ درصدی‌ها با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌هاست. ستون‌های آبی‌رنگ نشان می‌دهد که متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها چند برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها بود و مشاهده می‌کنید که در سال ۱۹۸۰ میزانش ۱۱۸ برابر بود. با تغییراتی که در توزیع درآمد در شیلی صورت گرفت این نسبت در سال ۲۰۱۱ به ۱۵۷ برابر افزایش یافت و سرانجام در سال ۲۰۲۱ به ۱۳۰ برابر کاهش یافت. به همین نحو وقتی به ستون‌های قرمز زنگ می‌نگرید روشن می‌شود که متوسط درآمد ۱۰ درصدی‌ها در ۱۹۸۰ حدود ۲۹ برابر متوسط درآمد در میان ۵۰ درصدی‌ها بود. البته این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۳۶ برابر افزایش یافت و سرانجام در ۲۰۱۱ به همان ۲۹ برابر کاهش یافت. برای روشن شدن شیوه‌ای که می‌توان از این آمارها به این برآوردها رسید بد نیست اشاره کنم که پیش‌تر گفتم که سهم ۱۰ درصدی‌ها از تولید ناخالص داخلی حدود ۶ برابر سهم ۵۰ درصدی‌ها از درآمد ملی بود. این رقم نزدیک به ۳۰ برابر که به

دست داده‌ام هم نتیجه ۶ برابر بودن سهم‌شان از درآمد ملی و در مقایسه با ۵۰ درصدی‌ها، یک‌پنجم جمعیت را در خود داشتن است.

